

# تحلیل جامعه شناختی قتل های سریالی زنان

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۲/۰۸

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۸/۰۴

از صفحه ۷۹ تا ۱۰۴

رضا عبدالرحمانی<sup>۱</sup>، علی چگینی<sup>۲</sup>

## چکیده

قتل های سریالی که طی سه دهه گذشته در کشورمان رشد داشته، بیش از هر جرم دیگری وجدان جمعی را جریحه دار کرده است. هدف این تحقیق، تحلیل جامعه شناختی از قتل های سریالی زنان در استان قزوین است. تحقیق حاضر به روش توصیفی از نوع مطالعه موردی (مورد کاوی) انجام شده است. مورد مطالعه این پژوهش، پرونده قاتل سریالی زنان در قزوین بوده که برای جمع آوری اطلاعات از ابزار مصاحبه های عمیق نیمه ساخت دار استفاده شد. روش نمونه گیری در این تحقیق اطلاعات محور است. نتایج مطالعه نشان داد که وضعیت خانوادگی قاتل نابسامان بوده و سطح تحصیلات اعضای خانواده و خود قاتل پایین بوده است. منزلت شغلی قاتل و اعضای خانواده در حد پایینی قرار داشته و محل مسکونی و در کل محیط اجتماعی وی به سبب وجود افراد ناباب، به میزان زیادی جرم خیز بوده است. قاتل فاقد برخی مهارت های فردی - اجتماعی مهم بوده و به سبب سرکوب عواطف و هیجانات دوران کودکی از نوعی حس انتقام جویی برخوردار بوده است.

## کلید واژه ها

قاتل سریالی، قتل، وضعیت خانوادگی، زنان، محیط اجتماعی، منزلت اجتماعی.

۱ - استادیار علوم ارتباطات دانشگاه علوم انتظامی امین، نویسنده مسئول: RAR0664@yahoo.com

۲ - کارشناس ارشد کشف جرایم دانشگاه علوم انتظامی امین

## مقدمه

بدون شک شناخت صحیح و دقیق قتل‌های سریالی و انگیزه‌های مرتکبان آن مستلزم تأمل ویژه محققان در انجام پژوهش‌ها و مطالعات اختصاصی است. مسئله‌ای که شاید به دلیل ماهیت هیجان‌انگیز و مرموز وقوع قتل‌های سریالی و داشتن ارزش خبری برای رسانه‌ها تا حدی از نظر دور مانده و اغلب تفاسیر و تحلیل‌های ارائه شده در آنها به دور از واقعیت و معیارهای علمی است، جامعه ایرانی نیز هر از چندگاهی شاهد ظهور قاتلان سریالی بوده است (غلاملو، ۱۳۹۰ و ۱۳۸۹: ۲۳؛ اسماعیلیان، ۱۳۹۱). با این اوصاف همان‌طور که اشاره شد، پدیده‌های مزبور بدون اینکه از نظر علمی و به‌ویژه از بعد جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و جرم‌شناختی مورد بررسی قرار گیرد و نوع قتل‌ها و انگیزه‌های اصلی آن با انجام مطالعات علمی عمیق مشخص شود، به دلایل مختلفی فقط با حذف قاتلان مذکور که تنها موجب تسکین بخشی از الام‌بازماندگان قربانیان و جامعه می‌شود، به پایان می‌رسد. با توجه به موارد ذکر شده و احساس نیاز به انجام تحقیقات در این زمینه، محقق در صدد بررسی و تحلیل جامعه‌شناختی قتل‌های سریالی شهر قزوین (مهدی فرجی) بر آمده است. از این جهت که قاتل سریالی چه کسی هست؟ در چه خانواده‌ای پرورش یافته؟ و آیا عوامل موقعیتی و پایگاه اجتماعی قاتل در بروز جنایت‌های فوق‌نقشی داشته یا خیر؟ یکی از مواردی که توجه به این موضوع را مورد تأکید قرار می‌دهد آن است که طی سه دهه گذشته در کشورمان بیش از چندین فقره قتل سریالی به وقوع پیوسته؛ با این وجود، جامعه دانشگاهی در خصوص علل و انگیزه‌های این پدیده غفلت کرده است. تبیین و تفسیر علمی این موضوع، نه فقط به شناخت دقیق و علمی‌تر آن کمک می‌کند، که تجارب و یافته‌های دانشجویان و دانشکده‌های مرتبط با موضوع را افزون کرده، ارتقا می‌بخشد (ابراهیمی، ۱۳۹۱؛ اسماعیلیان، ۱۳۹۱). با همه این‌ها، یگانه بودن تحقیق، عیب مهم دیگری هم دارد که ممکن است نواقص و انتقادات بی‌شماری (هم به لحاظ نظری و هم به جهت روش‌شناسی) بر آن وارد باشد که البته این با صعه صدر و بردباری محققان، کارشناسان، اندیشمندان و استادان و نیز ارائه پیشنهادها سازنده از سوی آنها قابل رفع و رجوع است. با همه اینها بکر و نو بودن موضوع به سبب عدم توجه ورود به این حوزه، انجام کار پژوهشی را موجه می‌سازد.

به هر حال با همه تحقیقات انجام گرفته در خصوص قتل‌های سریالی در جوامع غربی، هنوز پرسش‌های فراوانی درباره علل «اجتماعی-زیستی» و انگیزه‌های «فردی»، قاتلان سریالی برای کارشناسان و محققان جنایی مطرح است. پاسخ به این پرسش‌ها و پرسش‌های مشابه یکی از دغدغه‌های محققان، کارشناسان و مسؤولان (به ویژه پلیس به عنوان مسؤول اصلی کشف و برقراری امنیت در جامعه) مرتبط با پرونده‌های قتل‌های سریالی است. در همین راستا، ظهور قتل‌های سریالی در سال‌های (۱۳۸۸ و ۱۳۸۹) در ایران، به ویژه در استان قزوین که توسط دو نفر قاتل به نام‌های «مهین قدیری» و «مهدی فرجی» انجام گرفته، در دو مرحله ۱۱ فقره قتل به وقوع پیوسته و نگرانی‌های زیادی را در این شهر و شهرهای دیگر برانگیخته است. تحقیق حاضر با توجه به قتل‌های فوق، در صدد پاسخگویی به برخی از پرسش‌های مطرح شده با تأکید بر مؤلفه‌های اجتماعی (و نه روان‌شناسی، زیست‌شناسی و جرم‌شناختی) با روشی کیفی برای تنها یکی از پرونده‌ها (مهدی فرجی) است. پر واضح است که دست یافتن به پاسخ‌هایی متقن و قانع‌کننده چندان آسان نخواهد بود؛ چرا که تاکنون تحلیل‌های گوناگونی از چرایی چنین رخدادی ارائه شده و هنوز نیز بسیاری از پرسش‌ها بی‌پاسخ مانده‌اند. از این رو هدف اساسی این تحقیق پاسخگویی به برخی پرسش‌ها در خصوص علل اجتماعی گرایش برخی افراد به انجام قتل‌های سریالی است. به تعبیر دیگر این مقاله در صدد نشان دادن سهم متغیرهای اجتماعی اثرگذار، به ویژه محل زندگی، خانواده و شرایط اجتماعی-اقتصادی، بر بروز قتل‌های سریالی است.

### پیشینه تحقیق

مطالعه پدیده قتل‌های سریالی با رویکردی جامعه‌شناختی به روشی کیفی عمری کوتاه دارد. براین اساس، پیشینه قابل قبولی از قتل‌های سریالی در کارنامه تحقیقات داخلی یافت نشد. بنابراین به برخی از مهم‌ترین مطالعات انجام شده به شرح زیر اشاره می‌شود:

سماواتی (۱۳۸۷) در نتایج مقاله خود با عنوان «قاتلان سریالی از منظر روان‌شناسی جنایی» ادعان داشته بسیاری از افرادی که به طور عادی در جامعه زندگی می‌کنند

بدون آنکه مرتکب جرمی شوند، نیازهای آزارگری خود را به روش‌هایی که از منظر اجتماع قابل پذیرش است، تأمین می‌کنند. قاتلان سریالی نیز درصدد ارضای همین نیاز خود هستند. با این تفاوت که آنان از این توانایی برخوردارند که بزه دیدگان بی‌گناه را مورد خشونت‌های شدید و شکنجه قرار دهند و از این رهگذر هیجانات خود را تخلیه کنند. تبحر قاتلان سریالی در جلب اعتماد قربانیان خود از رهگذر برقراری تعاملات اجتماعی به گونه‌ای است که احساس ترحم به نازل‌ترین مرتبه خود می‌رسد.

حسینی (۱۳۸۹) در پایان نامه خود با عنوان «بررسی ابعاد شخصیت قاتل سریالی زنان» نسبت به بررسی ابعاد شخصیت قاتل سریالی زنان، مطالعه موردی در خصوص «فرید بغلانی» قاتل سریالی زنان در استان خوزستان در طول سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۷ به روش کیفی (و بررسی پرونده جنایی) به تحلیل شخصیت جنایی قاتل سریالی خوزستان پرداخته است. بررسی پرونده جنایی این قاتل سریالی نشان داد که وی به سبب تنفر شدید از زنان، ۱۵ دختر خردسال و جوان را به قتل رسانده بود. به عقیده او، مبارزه با این پدیده مستلزم سبب‌شناسی و ریشه‌یابی علل و عوامل پدید آورنده آن است.

سفرچی تیل (۱۳۸۷) در پایان نامه خود با موضوع «قربانی شناختی قتل‌های سریالی (پاکدشت)» با رویکرد قربانی‌شناسی و روشی کیفی، تصویری از تاریخ، نظریه‌ها و مفاهیمی که در این رشته استفاده می‌شوند، ارائه کرده است. یافته‌های محقق نشان می‌دهد که علاوه بر سن، عوامل دیگری نظیر منطقه سکونت، فرصت، همجواری و همنشینی قربانیان و مجرم، جنسیت، وجود مکان‌ها و زمان‌های خطرناکی که فاقد هرگونه کنترل اجتماعی اند، رفتارهای پرخطر مجرمان و فعالیت خطرناک آنها از جمله عواملی هستند که در کنار ضعف کنترل اجتماعی، قربانیان قتل‌های سریالی پاکدشت را تسهیل کرده است.

خلعتبری (۱۳۸۸ و ۱۳۸۹) در دو کتاب خود با عناوین «اطلاعات جنایی» و «روانشناسی جانیان قتل‌های سریالی یکصد ساله اخیر ایران و آمریکا» ضمن تجزیه و تحلیل جنایات قاتل سریالی زنان در مشهد مقدس و قاتل سریالی کودکان و نوجوانان در پاکدشت و قیام دشت ورامین با رویکرد روان‌شناسی جنایی، جرم‌یابی، جرم

شناسی و جامعه شناسی جنایی، اقدام به ترسیم شخصیت این جانبان سریالی با توجه به مقایسه روشی استاندارد قاتلان سریالی کرده است.

هیکی (۱۳۸۵) در کتاب خود با عنوان «قاتلان سریالی و قربانیان آنها» با تجزیه و تحلیل زندگی قاتلان سریالی از طریق پرونده های شخصی، نه تنها روان آگاهی شخصی قاتلان را فراهم ساخته است، بلکه عوامل مشترک میان ۳۹۹ قاتل سریالی شامل قاتل های انفرادی مرد، قاتلان زن و آنهایی که با شریک جرم مرتکب جنایت می شدند را تشریح کرده است.

جن کینز<sup>۱</sup> (۱۹۹۵) در تحقیقات خود، نیروهای اجتماعی مانند مجریان قانون، رسانه های گروهی و افکار عمومی که در بروز پدیده قتل های سریالی به طور ناخواسته و نادانسته نقش داشتند را مورد بررسی قرار داده اس. (به نقل از هیکی، ۱۳۸۵: ۷).

جس<sup>۲</sup> (۱۹۲۴) در گونه شناسی روان شناسانه از انگیزه های مختلف برای قتل از سوی قاتلان سریالی، شش انگیزه «منفعت مالی<sup>۳</sup>»، «انتقام<sup>۴</sup>»، «از بین بردن<sup>۵</sup>»، «حسادت<sup>۶</sup>»، «شهوت کشتن<sup>۷</sup>»، «ارضاء<sup>۸</sup>» (ارضای جنسی با قربانی) را برای قتل مشخص کرده است.

### مبانی نظری تحقیق

در این تحقیق، منظور از قاتلان سریالی کسانی هستند که اقدام به قتل سه نفر یا بیشتر را با برنامه ریزی و یا بدون برنامه ریزی قبلی و اتخاذ شیوه های خاص خود پس از ارتباط با سوژه ها و قربانیان در جغرافیای زمانی و مکانی معلوم در فاصله چند روز یا هفته یا ماه یا سال با فرآیندی قابل تشخیص و گاهاً مشابه کشته و رها کنند (خلعتبری، ۱۳۸۸: ۱۳). یا حتی ممکن است سالانه به طور مستمر به قتل های

1- Philip Jenkins

2- Jess

3- Gain

4- Revenge

5- Elimination

6- Jealousy

7- Lust For Killing

8- Conviction

خود ادامه دهند که در این صورت قتل‌های سریالی واقع شده است (نیوتن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶؛ فیلبین و فیلبین<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹).

واحد علوم رفتاری اف. بی. آی.<sup>۳</sup> براساس تحقیقاتی که با استفاده از اطلاعات به دست آمده از صحنه‌های قتل به منظور تسهیل در توصیف گونه‌شناسی قاتلان و جنایت‌کاران، آنها را به دو دسته: «سازمان یافته و غیرسازمان یافته» تقسیم بندی کرده اند (هیکی، ۱۳۸۵؛ غلاملو، ۱۳۸۹: ۲۱). اکثر قربانیان قاتلان سریالی سازمان یافته دارای خصوصیات کلی مشترکی باهم هستند. این مجرمان از وجهه اجتماعی خوبی برخوردار بوده و از مهارت‌های کلامی خود برای دست به سرکردن و فریب دادن قربانیان و تحت کنترل درآوردن آنها استفاده می‌کنند. قاتلان سازمان یافته از مجرمانه بودن اقداماتشان کاملاً آگاه هستند. اغلب به توانایی شان در خنثی سازی یا منحرف کردن تحقیقات پلیس مباحثات می‌ورزند (هیکی<sup>۴</sup>، ۲۰۰۲).

ویلی<sup>۵</sup> براساس انگیزه‌های قاتلان سریالی، آنها را به ده دسته تقسیم می‌کند: افسردگی<sup>۶</sup>، روان‌پریشی (بیمار روانی<sup>۷</sup>)، اختلال مغزی ارگانیک (زیستی<sup>۸</sup>)، جامعه ستیزانه<sup>۹</sup>، خشونت انفعالی<sup>۱۰</sup>، الکلی<sup>۱۱</sup>، نمایشی<sup>۱۲</sup>، نوجوانی<sup>۱۳</sup>، عقب ماندگی ذهنی<sup>۱۴</sup>، جنسی<sup>۱۵</sup> (دانش، ۱۳۷۹: ۱۳۸؛ غلاملو، ۱۳۸۹: ۶۵). تقسیم بندی دیگر از سوی جرم شناسی و با تأکید بر انگیزه‌های کلی قاتلان صورت گرفته که به نه دسته تقسیم شده است: خودپرستی، احساسات جریحه دار شده، حرص و طمع مال، برای حفظ آبرو و حیثیت، ارتکاب قتل برای جلوگیری از افشای جرم و شناسایی مجرم و کشتن پس از

- 
- 1 - Newton
  - 2 - Philbin & Philbin
  - 3 - F. B. I
  - 4 - Hickey
  - 5 - Willie
  - 6 - Depressive
  - 7 - Psychotic
  - 8 - Affiliated With Organic Brain Disorder
  - 9 - Psychopathic
  - 10 - Passive Aggressive
  - 11 - Aloholic
  - 12 - Hysteerical
  - 13 - Juvenile
  - 14 - Mentally Retarded
  - 15 - Sex Murderers

عمل منافی عفت، نفرت و ترس، هیجان، در مقام دفاع و جنون (دانش، ۱۳۷۹: ۱۳۸؛ خلعتبری، ۱۳۸۸: ۱۴ و ۱۳۸۹) و بالاخره « هولمز<sup>۱</sup> » و « دیبورگر<sup>۲</sup> » نیز قاتلان سریالی را براساس انگیزه‌های آنها به چهار دسته تقسیم کرده اند: ۱- گونه‌الهام شده ۲- گونه‌ مأموریت یافته<sup>۳</sup>، ۳- نوع لذت پرست ۴- گونه‌ تفوق طلب (قدرت طلب) (هیکی، ۱۳۸۵: ۲۹).

منظور از تحلیل جامعه‌شناسانه آن است که قتل سریالی به عنوان یک مفهوم، بیش از هر چیزی پدیده‌ای اجتماعی است که ویژگی‌ها و عوامل اجتماعی تعیین‌کننده‌ای دارد و با مفاهیم زیست‌شناختی و روان‌شناختی قابل تبیین نیستند. به همین سبب علت تعیین‌کنندگی واقعیت‌های اجتماعی را باید در میان واقعیت‌های ما قبل آن جستجو کرد و نه در حالات آگاهی فردی (آرون، ۱۳۸۰: ۲۴۷). تحلیل‌های مختلفی در خصوص قتل‌های سریالی وجود دارد که در زیر به برخی از آنها به اختصار اشاره شده است.

یکی از مهم‌ترین الگوهای نظری تحلیل جامعه‌شناسانه، مدل دورکیم است. او یکی از نخستین جامعه‌شناسانی است که در خصوص تحلیل جرم (به جهت روشی) به ارائه نظریه پرداخته و بنیانگذار روش‌شناسی جامعه‌شناسانه در خصوص انحرافات و جرایم است (دورکیم، ۱۳۸۶ و ۱۳۶۱). به باور او باید علت تعیین‌کنندگی واقعیت‌های اجتماعی نظیر قتل‌های سریالی را باید در میان واقعیت‌های ماقبل آن (در اینجا شرایط خانوادگی، عوامل موقعیتی مانند محیطی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی قاتل) جستجو کرد و نه در حالات آگاهی فردی. او معتقد بود، ساختارهای اجتماعی درون جوامع و درون گروه‌ها به گونه‌ای است که آنها را از نظر درجهٔ یگانگی و یکپارچگی با همدیگر متفاوت می‌سازد. به این معنا که ممکن است برخی از آنها بر اعضای خود

1 - Holmes

2 - Deburger

۳- در کشور ما می‌توان به قتل‌های سریالی سعید حنایی، قاتل ۱۶ زن خیابانی که طی یک سال (از مرداد ۷۹ تا ۸۰) در مشهد اقدام می‌کرد و سرانجام خودش نیز در زندان مشهد اعدام شد، اشاره کرد. او هرگز از ارتکاب به قتل‌ها ابراز پشیمانی نکرد و انگیزهٔ خود را از کشتن قربانیان، مأموریت برای پاکسازی جامعه از فساد عنوان می‌کرد (روزنامه اعتماد، ۱۳۸۷).

سخت‌گیری کامل کرده تا آنها را کاملاً یکپارچه سازند؛ حال آن که گروه‌های دیگری هستند که به اعضایشان تا اندازه زیادی آزادی عمل می‌دهند و کمتر به کیفر می‌پردازند. هرگاه جامعه ای سخت یکپارچه باشد، آن جامعه اعضایش را تحت نظارت کامل خود دارد. مردمی که در یک جامعه به خوبی یکپارچه باشند، به احتمال زیاد کمتر از قواعد اخلاقی عدول می‌کنند (دورکیم، ۱۳۶۹: ۴۵). قتل‌های سریالی یک کل ساختاری اند که باید آن را بر حسب نیروهای اجتماعی و تاریخی که باعث به‌وجود آمدنش شده‌اند و به عملکردش کشانده‌اند (مانند خانواده‌ها، موقعیت‌ها و شرایط اجتماعی، میزان انسجام اجتماعی) تبیین کرد. لذا به باور دورکیم، در بررسی جامعه‌شناختی قتل‌های سریالی به جای ویژگی‌های متفاوت فردی هر یک از قاتلان سریالی، باید ساختارهای اجتماعی، تغییر ناگهانی در استاندارد های زندگی، پیشرفت‌های سریع اقتصادی و شکل‌گیری بحران‌های اقتصادی و تضعیف نیروهای اخلاقی جامعه این جوامع را که اشتراک آنان فقدان نسبی انسجام اجتماعی است و باعث افزایش میزان قتل در آنها شده است، مورد بررسی قرار داد.

امروزه در اکثر جوامع به وضوح می‌توان نشانه‌هایی از فساد و انحراف، جرم جنایت را به نوعی مشاهده کرد. آنچه مشخص است مواردی همچون قتل و جنایت، بزهکاری، اعتیاد و... در همه اعصار وجود داشته‌اند. در دنیای معاصر نیز به دلایلی از جمله گسترش فقر، عدم توجه به ارزش‌ها و فضایل انسانی، سستی و تزلزل ارکان اخلاقی، ازهم گسیختگی خانواده و... شدت و گسترش افزونی یافته است. عوامل به وجود آورنده این انحرافات در جوامع مختلف یکسان نیست و مناطق از نظر جرم، شدت و ضعف، تعداد و نیز از نظر عوامل متفاوتند. این تفاوت‌ها را می‌توان در شهرها، روستاها و حتی در مناطق مختلف و محله‌های یک شهر مشاهده کرد. در هر جامعه و محیطی سلسله عواملی همچون شرایط جغرافیایی، وضعیت اجتماعی، اقتصادی، موقعیت خانوادگی، تربیتی، طرز فکر و نگرش خاص حاکم است که هر یک از اینها در حسن و رفتار افراد مؤثر است (لرنی، ۱۳۸۷: ۲۶۸).



رابرت مرتن بر این باور بود که شکل گیری و افزایش جرایم به سبب بروز شرایط بی‌هنجاری است. از نظر او آنومی<sup>۱</sup> به شرایط اجتماعی اطلاق می‌شد که در آن هنجارهای اجتماعی فاقد کارایی لازم باشد و تأثیر خود را بر رفتار بخش‌های وسیعی از افراد جامعه از دست بدهند. به عبارت دیگر مرتن مفهوم آنومی را به فشاری اطلاق می‌کرد که وقتی هنجارهای پذیرفته شده با واقعیت اجتماعی در ستیز قرار گیرند بر رفتار افراد وارد می‌آید (گیدنز، ۱۳۷۳: ۱۴۰؛ رفیع پور، ۱۳۷۸: ۳۳). او بر این باور بود که رفتار انحرافی هنگامی به وقوع می‌پیوندد که جامعه دستیابی به برخی هدف‌ها را تشویق می‌کند، در حالی که وسایل و ابزار ضروری رسیدن به این هدف‌ها را در اختیار همه اعضای جامعه قرار نمی‌دهد (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳: ۶۸). هدف این نظریه‌ها آن است که از خلال بررسی و تحلیل سازمان‌ها (مانند سازمان‌های قضایی، سازمان پلیس، سازمان‌های کنترل اجتماعی و غیره) در کنشی متقابل، نقش هر یک از آنها در فرآیند ظهور و گسترش جرایم روشن شود. به هر ترتیب جرم (مثلاً قتل) نوعی نقص وفاق اجتماعی و به عبارت دیگر ماحصل گسست اجتماعی است (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵: ۱۲۴). علت جرم را می‌توان در ناکافی یا نامناسب بودن ابزارها و فرصت‌های دست‌یابی به اهداف فرهنگی یا ناهمسازی میان هدف‌های فرهنگی تعریف شده با شیوه‌ها یا وسایل اجتماعی نهادینه شده جستجو کرد. برای پیشگیری از این وضعیت باید فرصت‌های دست‌یابی به اهداف فرهنگی (مانند فرصت‌های تحصیل، اشتغال، ترویج فعالیت‌های سالم در میان گروه‌های اجتماعی) را برای گروه‌های مشکل‌دار فراهم ساخت. براساس نظریه مرتن، تبلیغات از طریق انواع رسانه‌های جمعی، فرد را به طور بی‌نهایت تحت فشار می‌گذارد که پول بیشتری درآورد و بیش از پیش به مصرف انواع لوازمات (حتی غیر ضرور) دست بزند (دیتز<sup>۲</sup>، ۱۹۸۶: ۶۲؛ محسنی، ۱۳۸۶: ۱۱۲).

1- Theory ANOMIC

2 - Dietz

به خلاف جامعه‌شناسان کلان‌نگر (دورکیم و مرتن<sup>۱</sup>)، دیدگاه‌های سطح‌خرد (مانند گروهی از جامعه‌شناسان مانند ولفگنگ<sup>۲</sup> و فراکوتی، ساترلند و هومنز<sup>۳</sup>)، پدیده‌های انسانی و اجتماعی به مانند قتل‌های سریالی را بر حسب ابعاد کنش متقابل موجود در درون موقعیت‌ها و وضعیت‌های اجتماعی تبیین می‌کنند و بر همین اساس ماهیت آن را چیزی فراتر از ابعاد همین کنش متقابل نمی‌داند. فرض اساسی این نظریه‌ها آن است که جرم پدیده‌ای است که در خلال فرآیندهای کنش متقابل اجتماعی به وجود می‌آید و فرا گرفته می‌شود (مور و سینکلر، ۱۳۷۶: ۴۱۲). کانون توجه تحلیل‌های این دسته، عمدتاً متوجه موقعیت یا شرایطی است که کنش‌عاملان ناهنجار در آن رخ می‌دهد و تعامل و کنش‌های رو در رو زمینه‌های اصلی زندگی اجتماعی و ظهور جرایم را تشکیل می‌دهد (گیدنز، ۱۳۷۳: ۷۶۰).

ساترلند<sup>۴</sup>، به خلاف آن دسته از نظریه پردازانی که ارتکاب ناهنجاری‌ها و جرایم را انگیزش طبیعی مردم می‌دانند، ناهنجاری‌ها را به «تفاوت ارتباط»، مربوط دانسته است. او بر این باور است که انگیزش ناهنجار در افراد جامعه متغیری است که به وسیله شرایط معین اجتماعی که آن‌ها را به رفتار ناهنجار وا می‌دارد، تعیین می‌شود. مفهوم تفاوت ارتباط نیز بسیار ساده است. در جامعه‌ای که دارای خرده فرهنگ‌های گوناگون و متعددی است، برخی از محیط‌های اجتماعی معمولاً مشوق فعالیت‌های ناهنجارند. در صورتی که محیط‌های دیگر چنین نیستند. افراد از طریق ارتباط با دیگرانی که (مانند دوستان، همکلاسی‌ها، همسایه‌ها و خویشاوندان) در این محیط‌ها قرار دارند و گاه حامل هنجارهای تبهکارانه‌اند، ناهنجار می‌شوند (گیدنز، ۱۳۷۳: رفیع پور، ۱۳۷۸: ۵۲). خلاصهً رویکرد ساترلند بر این قرار است که کج رفتاری یادگرفتنی و در تعامل با دیگران آموخته می‌شود؛ بخش اصلی یادگیری کج رفتاری در حلقه درون گروه (خانواده، دوستان و نزدیکان) روی می‌دهد و رسانه‌های جمعی و مطبوعات نقش دوم را ایفا می‌کنند؛ فرد به دلیل بیشتر بودن تعریف‌های موافق

1- Robert king merton

2- Marvin Wolfgang

3- Humans

4- Suterland

تخلف، به نسبت تعریف‌های موافق با هم‌نواپی با هنجارها کج رفتار می‌شود. مکتب شیکاگو (دهه ۱۹۳۰): برای نخستین بار از سوی «رابرت پارک<sup>۱</sup>»، «لوئیس ورث<sup>۲</sup>»، و دیگر همکاران در بخش جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی دانشگاه شیکاگو شکل گرفت، بروز و گسترش جرم را با تأکید بر مفهوم بوم‌شناسی جنایی تبیین کردند. در تعریف آن‌ها، بوم‌شناسی جنایی عبارت بود از تأثیر زیست‌گاه فردی و محل زیست و زندگی فرد در رفتار مجرمانه او. زیست‌گاه مفهومی کلی است که شامل اوضاع و احوال و شرایط خاص محل زندگی فرد می‌شود. می‌توان گفت بوم‌شناسی جنایی به معنای بررسی تعامل و کنش متقابل بین فرد و شرایط محل زیست او یا تأثیر شرایط محل زیست او در رفتار وی است. از این رو مفروضه اساسی نظریه شیکاگو این بود که علت تفاوت‌های میزان‌های جرم و ناهنجاری اجتماعی نه در ساکنان محله (که اساساً فقیر و مهاجر بودند)، بلکه در خود محله باید جستجو شود. زیرا به باور اینان ساکنان این محله‌ها که هر چند وقت یک‌بار تغییر می‌کردند، افرادی بودند که در مدت زمانی که در این محله زندگی می‌کنند، نرخ اعمال مجرمانه و ناهنجار آنان بالا می‌رفت، ولی به محض تغییر محل سکونت، نرخ اعمال مجرمانه و ناهنجار همین افراد در محله‌های دیگر کاهش می‌یافت (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵: ۳۲۳). آنها برای دستیابی به نتایج دقیق‌تر در شهر شیکاگو تعداد ۵۵۹۹۸ پرونده مربوط به افراد بزه‌کار و مجرم را همراه با ویژگی‌های محله‌های سکونت آن‌ها مورد مطالعه قرار دادند. نتایج به دست آمده حاکی از آن بود که محله‌ها عاملی اساسی در بروز و گسترش جرمند.

**نظریه کنترل اجتماعی (هیرشی<sup>۳</sup>):** فرض اصلی این نظریه با نفوذ حوزه جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی و جرم، آن است که کج رفتاری نتیجه نبود کنترل اجتماعی است. همچنان که فروید می‌گوید: افراد به طور طبیعی تمایل به کج رفتاری دارند و اگر تحت کنترل قرار نگیرند چنین می‌کنند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳: ۶۵) و کج رفتاری اشخاص، بیش از آنکه ناشی از نیروهای محرک به سوی ناهنجاری باشد

1- Robert park

2- Luis Wirth

3- Hirschi

محصول عدم ممانعت است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۳۱). به باور هیرشی، اجزایی که سبب می‌شوند پیوند فرد نسبت به اجتماع ضعیف شده و افراد با هنجارهای اجتماعی انطباق یا اصطکاک پیدا کنند (طالبان، ۱۳۸۱: ۸۵؛ هس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱: ۲۰)، عبارتند از: ۱- وابستگی<sup>۲</sup> (تعلق خاطر و وابستگی افراد به خانواده، دوستان و سایر اعضای جامعه)، ۲- تعهد<sup>۳</sup> (نشانه یا میزان پذیرش هدف های مرسوم جامعه و احساسات دینی که فرد نسبت به جامعه خود احساس می‌کند)، ۳- درگیر بودن<sup>۴</sup> یا مشارکت (درگیری در فعالیت های متعارف زندگی، سبب محدود شدن رفتار می‌شود و فرصت گرایش به سوی رفتار انحرافی را از افراد سلب می‌کند)، ۴- اعتقاد یا باورها<sup>۵</sup> (بیانگر میزان اعتقاد و ایمان فرد به اعتبار قواعد اخلاقی و اجتماعی و وفاداری وی به آن هاست). این نظریه مستقیماً می‌پرسد علت هم‌نواپی چیست؛ زیرا آنچه موجب کج رفتاری است فقدان همان چیزی است که باعث هم‌نواپی می‌شود. پاسخی که به این سؤال مهم داده شده این است که آنچه موجب هم‌نواپی است، اعمال کنترل اجتماعی بر افراد است که جلوی کج رفتاری را می‌گیرد. بنابراین فقدان یا ضعف کنترل اجتماعی علت اصلی کج رفتاری است که در بخش‌های زیر توضیح داده خواهد شد (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳: ۶۶؛ ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۹).

### روش شناسی تحقیق

روش تحقیق حاضر توصیفی از نوع مطالعه موردی است که دارلینگتون و اسکات<sup>۶</sup> (۲۰۰۲) نیز بدان اشاره داشته‌اند، طی آن بر فرآیندها، درک و تفسیر آنها مورد تأکید قرار می‌گیرد. از این رو، هدف تحقیق در این روش همان چنان که لیتل (۱۳۷۳) یادآور شده، بازسازی معنی یا دلالت ترتیبات و اعمال اجتماعی مانند قتل سریالی است (ص ۹۹). نمونه مورد بررسی در این تحقیق، پرونده و اسناد مرتبط با قاتل سریالی استان قزوین (مهدی فرجی) است که در طول سال‌های ۸۸-۸۹، تعداد ۵

1 - Hass

2 - Attachment

3 - Commitment

4 - Involvement

5 - Belief

6 - Darlington, Y. and Scott, D

فقره قتل مرتکب شده است. لذا واحد تحلیل فرد است. روش تحلیل داده ها، با تأکید بر درک و تفسیر اطلاعات جمع آوری شده است. بر همین اساس سعی شده بدون دستکاری متغیرها، تنها به بررسی محتوای اسناد موجود در پرونده قاتل سریالی پرداخته شود. روش نمونه گیری این پژوهش، نمونه گیری اطلاعات محور است. ابزار جمع آوری داده‌ها علاوه بر مراجعه به مدارک و اسناد موجود در پرونده، مصاحبه نیمه ساخت یافته با کارشناسان و بازپرسان پرونده، قاضی پرونده، و مصاحبه عمیق نیمه ساخت یافته با خانواده، خویشاوندان و همسایه های قاتل استفاده شد.

### یافته‌های تحقیق

یافته های موجود در پرونده قاتل سریالی و نیز برخی پرونده های گفته شده در پیشینه تحقیق نشان می دهد که قاتلان سریالی ویژگی های فردی - اجتماعی مشترکی دارند که برخی از آنها در قاتل مورد بررسی ما هم وجود داشت است. ویژگی هایی در مطالعات پرونده های جنایی با مفهوم «تحلیل سیمای کلی قاتلان سریالی» شناخته می شود که بدین شرح می باشد:

- \* معمولاً از هوش و تحصیلات اندکی برخوردارند.
- \* معمولاً قربانیان خود را حدود و یا محل تردد و زندگی خود انتخاب می کنند.
- \* قربانیان خود را به محل هایی آرام می برند که احساس امنیت می کنند.
- \* با توسل به حیله و نیرنگ، اطمینان و اعتماد مقتول را جلب می کنند.
- \* معمولاً تنها عمل می کنند تا راز قتل ها فاش نشود، اگر چه دوست دارند دیگران از آنها تعریف کنند.
- \* اساساً با مشکلاتی در دروان کودکی در درون خانواده مواجه بوده اند.
- \* با تحقیق در خصوص قتل انجام داده، تلاش می کنند تا توجیهی اخلاقی و وجدانی برای عمل خود به دست آورند.
- \* معمولاً از دیگران دوری می کنند و در برقراری ارتباط با دیگران مشکل دارند.
- \* بدون فکر و نقشه قبلی و با انگیزه آنی و در حال اضطراب اقدام به قتل می کنند.
- یافته های مرتبط با قتل های سریالی در جهان (با تأکید بر پیشینه تحقیقات خارجی) نشان از وجود روش های استاندارد است که قتل ها براساس آنها انجام

می‌گیرد. برخی از این روش‌ها که در زیر از آنها نام برده شده (و در یافته‌های هیکی، جن کینز، هولمز و دیبورگر و جس نیز وجود داشته و با روش‌های قاتل سریالی مورد تحقیق نیز منطبق بوده)، آمده است.

- ۱- قاتل در شهر (قزوین) زندگی می‌کرد (و معمولاً قربانیان در محدوده ای جغرافیایی قاتل بوده، از این رو همه قتل‌ها در محدوده جغرافیایی معین صورت گرفته است).
  - ۲- شیوه و روش ارتکاب قتل‌ها یکسان است و اجساد در مناطق خلوت شهر (قزوین) کشف شد.
  - ۳- به نظر می‌رسد قاتل دارای انگیزه مالی است (چرا که در اکثر جنایت‌ها البسه یا زیور آلات، جواهرات یا اموالی از قربانیان سرقت شده است).
  - ۴- قربانیان از قشر یا طبقه‌ای خاص بودند (همگی زنان مسن، خانواده‌های مذهبی و با قدرت مقاومت کم)
  - ۵- عادت قاتل معمولاً در همه صحنه جرم به جا مانده است (در انتخاب نوع قربانی، شیوه قتل، انتقال جسد به محل امن، کشیدن قربانی روی زمین، سرقت وسایل و ...).
- یافته‌های مرتبط با پرونده قاتل سریالی تحقیق نشان می‌دهد که برخی متغیرهای جمعیت شناختی مقتولان به طور ناخواسته (یا خواسته) تشابهاتی با یکدیگر دارند.

جدول ۱: توصیف متغیرهای جمعیت شناختی مقتولان

ملاحظات	حالات و شیوه قتل	مشخصات مفقودی			ردیف
		سن	مونت	مذکر	
مقتوله با خود طلاجات زیادی داشته که با کشف جسد همه آنها سرقت شده بود.	خفگی و فشار به عناصر حیاتی گردن	۵۲	*	-	۱
مقتوله با خود طلاجات زیادی داشته که با کشف جسد همه آنها سرقت شده بود.	خفگی و فشار به عناصر حیاتی گردن	۶۲	*	-	۲
مقتوله با خود طلاجات و مقداری وجه نقد داشته که با کشف جسد همه آنها سرقت شده بود.	خفگی و فشار به عناصر حیاتی گردن	۵۸	*	-	۳
مقتوله با خود طلاجات و مقداری وجه نقد و یک دستگاہ گوشی موبایل داشته که با کشف جسد همه آنها سرقت شده بود.	خفگی و فشار به عناصر حیاتی گردن	۴۷	*	-	۴
مقتوله با خود طلاجات زیادی داشته که با کشف جسد همه آنها سرقت شده بود.	خفگی و فشار به عناصر حیاتی گردن	۸۵	*	-	۵

یافته‌ها درباره قاتلان سریالی (مندرج در پیشینه تحقیق) نشان می‌دهد که موارد مشترکی از قتل (به جهت صحنه جرم و ویژگی‌های قاتل) وجود دارد که برخی از

آنها (که با مورد مطالعه ما نیز تا اندازه ای مطابقت می کرد) در زیر آمده است.

### جدول ۲: موارد مشترک در جنایت سریالی

ردیف	الف - ویژگی های مشترک قربانیان	ردیف	ب - ویژگی های مشترک صحنه های جنایت
۱	همه قربانیان از زنان سالمند ( به جز یک مورد که اولین مقتول مرد بوده ) انتخاب می شدند	۱	صحنه ها بهم ریخته و نامنظم بود/ آثار خفگی و کشیدگی قربانیان بر روی زمین (در بعضی موارد خون) و سرقت وجود داشت
۲	تمامی قربانیان بومی قزوین بودند.	۲	در برخی صحنه ها آلت قتاله (مانند طناب) به دست آمد.
۳	همه قربانیان از لحاظ وضعیت اقتصادی از اقلیت متوسط جامعه بودند.	۳	همه جنایت ها در نقاط مشابه به هم از (از لحاظ خلوت بودن، و عدم تردد) صورت گرفت.
۴	از لحاظ وضعیت سکونت حاشیه نشین بودند.	۴	محدوده جغرافیای جرم واحد (نقاط حاشیه شهر قزوین).
۵	اطمینان از در اختیار داشتن طلا و وسایل قیمتی قربانیان	۵	تن پیمایی اجساد نشان از خفگی و یا ضربه به سر داشت
۶	قربانی ها اکثراً با تحصیلات پایین بودند	۶	قاتل پس از ضربه ی اولیه با کشیدن قربانی بر روی زمین آنها را جابجا می کرد
۷	جایگاه اجتماعی و وضعیت اخلاقی تمام قربانیان مناسب بودند، از سوء شهرت برخوردار نبودند.	۷	ارتکاب قتل ها به صورت آبی، با غافلگیر کردن و بی دفاع کردن قربانیان صورت می گرفت
۸	قاتلان از عنصر تعغیل استفاده می کردند.	۸	از اکثر قربانیان اموال یا اشیایی قیمتی سرقت شده بود.
۹	کلیه قربانیان در ایام غیر تعطیل و وسط هفته به قتل رسیدند.	۹	هر کدام از اجساد به نوعی در مکان های خلوت رها شده بودند.

- شرایط خانوادگی قاتل سریالی: مهدی فرجی دومین فرزند یک خانواده ۱۰ نفره است. او دارای ۴ برادر و ۳ خواهر بوده که یکی از برادرش چند سال پیش در حین شنا در سواحل دریای خزر غرق شده و فوت می کند. وی دارای یک فرزند پسر بوده و در زندگی مشترک با همسرش بیشتر به جهت وضعیت اقتصادی و درآمد اختلاف داشته است و حتی بعضی مواقع همسرش را مورد ضرب و شتم قرار می داده است. پدر مهدی در یکی از روستاهای اطراف قزوین که در ۲۰ کیلومتری جنوب شرقی قزوین قرار گرفته مشغول به کشاورزی بوده و از یک طبقه معمولی و کم درآمد است. مهدی، دوران کودکی و قبل از ازدواج خود را در این روستا که از امکانات رفاهی و خدماتی و اجتماعی کمتری برخوردار بود، سپری کرد. پدرش به همراه خانواده اش در دهه ۶۰ به علت نزاع های دسته جمعی که در روستای محل سکونت خود داشته به همراه خانواده اش محل زندگی را به اجبار ترک کرده و چند سال در روستای دیگری

که از زادگاه همسرش بوده زندگی می‌کرد. مهدی به لحاظ خصایص فردی، مردی عصبانی مزاج بود که بسیار سریع بر سر مسائل کوچک با دوستان، همسالان و خانواده خود درگیر می‌شده است.

او در دوران جوانی چندین بار با پدرش درگیر شده و وی را مورد کتک کاری قرار داده بود که البته با دخالت همسایگان مصالحه شده بود. وی قبل از ازدواج زمانی که در منزل پدری سکونت داشته، به خاطر همین اختلافات که بیشتر هم سر مسائل مالی بوده به همراه یکی از برادرانش (که بعداً فوت کرده بود) از منزل پدری فرار کرده و در شهر الوند خانه‌ای اجاره کرده و به کارهای مثل کارگری، گچ کاری و... مشغول می‌شوند. وی علاوه بر پدر، در دوران تحصیل (در روستای محل زندگی) با معلمان خود نیز درگیر می‌شده است. به همین دلیل در تحصیلات خود ناموفق و در مقطع ابتدایی ترک تحصیل کرده است.

**- شرایط محیطی و شغلی قاتل سریالی:** از اعضای خانواده فرجی پدرش معتاد به مواد مخدر بوده و به جهت شرکت در نزاع و درگیری با همسایه‌ها، مدتی را در زندان سپری کرده بود. مهدی قبل از دستگیری اش دارای سوابق کیفری از جمله «ایجاد مزاحمت برای مادر و دختری که به عنوان مسافر سوار کرده بود»، «محکومیت مالی» و «صدور چک بلامحل» است. وی از دوران جوانی فردی بلند پرواز بوده و علاقه وافری به رانندگی داشته که مدتی را به عنوان راننده مینی بوس برای اشخاصی دیگر کار می‌کرده تا اینکه خودش بعد از ازدواج مدتی که کار می‌کند اقدام به تهیه یک دستگاه مینی بوس فیات مدل پایین می‌کند. وی در طول زندگی اش ناکامی‌های متعددی داشته و حتی جهت رسیدن به یک سری از آرزوهایش پس از اتمام دوران خدمت سربازی اش، اقدام به فروش یکی از کلیه‌هایش می‌کند. براساس گفته‌های خود، وی برای رسیدن به بلند پروازی‌های خود که می‌خواست زودتر به آنها دست یابد، اقدام به این جنایت‌ها کرده بود و سوژه‌های خود را بیشتر از زنان سالخورده و میانسال به جهت اینکه مقاومت کمتری داشته باشند، انتخاب می‌کرد. او پس از سوار کردن آنها در مینی بوس خود در موقعیتی مناسب در طول مسیر در مکان‌های خلوت خودرو را به بهانه‌های مختلف نگه داشته و از غفلت مقتولان سوء استفاده کرده و در داخل خودروی خود سریعاً به آنها حمله ور شده، آنها را خفه می‌کرده و



پس از آن به سرقت طلاجات و اموال اجساد مقتول اقدام می کرده است. فرجی بیشتر اوقات خود را به مسافركشی و اوقات فراغت خود را بیشتر با خانواده همسرش سپری می کرد. او ارتباط چندانی با همسالان و دوستان نداشت. وی جهت انتخاب مقتولان خود و اقدام به نیت شوم خود در محله های حاشیة جنوبی شهر قزوین و علی الخصوص مسیرهای منتهی به شهرستان البرز که مسیرهایی به زادگاه پدری اش و شرکت های شهرصنعتی البرز بوده و به جهت آشنایی و شناخت بیشتری که به این مسیرها داشت اقدام و اجساد را در نقاط خلوت مشرف به این مسیرها رها می کرده است. وی به صورت تفننی اقدام به مصرف مشروبات الکلی مخصوصاً در مراسمات عروسی کرده و در اعتقادات به امور و باورهای مذهبی خیلی ضعیف بوده است و کمتر در مراسمات عزاداری و مذهبی شرکت می کرده است.

- پایگاه اجتماعی قاتل سریالی: مهدی در سوابق تحصیلی اش ناموفق بوده و پس از مقطع ابتدایی ترک تحصیل کرده و از همان دوران نوجوانی علاقه خاصی به موتور سواری و رانندگی داشته است. امرار معاش وی تنها از طریق رانندگی برای مردم بود. میزان درآمد متوسطی داشته و مقدمات ازدواج وی بر پایه عشق و عاشقی بوده است. بدین صورت که به عنوان راننده خودروی مینی بوس به صورت دربستی به همراه خانواده همسرش جهت مراسم خواستگاری برادر خانم بزرگش از شهر قزوین به یکی از شهرهای شمالی می روند که در بین مسیر با همسرش آشنا شده که پس از آن با دخالت یکی از اقوامش ازدواج می کند. پس از مدت اندکی سکونت در روستای زادگاهش از آنجا کوچ کرده و به شهر قزوین می رود که در آنجا به صورت مستأجر سکونت می کند. پس از مدتی به سبب صدور چک بلامحل چند صباحی را در زندان قزوین سپری کرده و پدرش پس از فروش مقداری از زمین های کشاورزی خود، بدهی های مالی وی را تصفیه کرده و وی از زندان آزاد می شود. او مجدداً به همراه خانواده اش به روستای مذکور باز گشته و پس از مدتی به شهر قزوین کوچ کرده و در غیاث آباد ساکن شده که شروع جنایت هایش از زمان سکونت در این محله شروع شده و یک ماه قبل از دستگیری به شهرک مینو در قزوین نقل مکان می کند. او در سبک زندگی اش به فعالیت هایی از جمله استفاده از امکانات ورزشی و انجام فعالیت های ورزشی، شرکت در مراسم های مذهبی از جمله نماز جماعت، خواندن

نماز هیچ گونه اهمیتی نمی داده است. از وضعیت اجتماعی خود رضایت نداشته و همیشه احساس ناکامی می کرده و از میزان در آمد خود ناراضی بوده است.

### بحث و نتیجه گیری

در تحقیق حاضر سعی شد تا تحلیلی جامعه شناختی از قاتل سریالی زنان در استان قزوین (مهدی فرجی) با تأکید بر پرونده وی و روشی کیفی ارائه شود. از آنجایی که نمونه در پژوهش های کیفی معرف جامعه نیست، لذا روش های نمونه گیری آن هم (مانند تحقیقات سماواتی، ۱۳۸۷؛ حسینی، ۱۳۸۹؛ سفرچی، ۱۳۸۷؛ هیکلی، ۱۳۸۵: ۴۳) خاص است. مانند نمونه گیری از مکان، رویداد، اشیا، اسناد و مدارک و غیره. بر همین اساس، در تحقیق حاضر، نمونه کوچک به صورت هدفمند<sup>۱</sup> انتخاب شده و البته این نمونه معرف جامعه مورد مطالعه نیز نیست. ما در این تحقیق، تقریباً مانند تمامی تحقیقات انجام شده پیشین، تلاش کردیم تا مستقیماً با ملاحظه پرونده کیفی و نیز مصاحبه و کسب نظر از متخصصان به تحلیل چرایی عمل قاتل برسیم. هدف ما در این تحقیق آن بود که از خلال شناخت انگیزه ها (همانند محققان دیگر یعنی، جس، کینی و هیت) و علل اجتماعی بروز قتل از سوی مجرم به کشف روندها و درک این که چرا قاتل به این عمل دست زد، بپردازیم. این کار از طریق بررسی سه عامل «خانوادگی»، «محیط زندگی» و «پایگاه اجتماعی - اقتصادی» قاتل سریالی انجام گرفت. در ذیل به برخی ویژگی های این عوامل و چگونگی تأثیر آنها در قاتل می پردازیم.

- نخست، نقش خانواده در شکل گیری قتل های سریالی: این موضوع، نکته ای غیر قابل انکار است که «خانواده» نقش به سزایی در ایجاد امنیت یا نا امنی جامعه و البته اعضای آن دارد. آنچه واضع است برای هر نوع پیشگیری از جرم و جنایت، بزهکاری و روابط ناپهناجر و نابسامان باید از محیط خانه و خانواده آغاز کرد. شاید بتوان گفت که علل و ریشه بسیاری از ناسازگاری های اجتماعی مجرمان نشئت گرفته از وضعیت خانوادگی آنان باشد. خانواده در تهذیب اخلاق و جهت دادن افراد به

1 - Purposive

سوی انسانیت و پرورش تکوین شخصیت آنان نقشی اساسی دارد. برای نمونه بررسی پرونده برخی قاتلان سریالی و مصاحبه با آنها نشان می دهد که بروز برخی مشکلات خانوادگی مانند فوت یکی از والدین، سابقه اعتیاد، سابقه اختلالات روانی، بیکاری و کاهش شدید سطح درآمد تا اندازه زیادی بر شکل گیری رفتار ناهنجار تأثیرگذار بوده است. با کمی تأمل در وضعیت زندگی دو قاتل سریالی قزوین و محیطی که در آن بزرگ شده اند، این حقیقت آشکار می سازد که آنان در خانواده خود کمبودهای عاطفی و مادی بسیاری را تجربه کرده اند. آن ها اغلب در زندگی خانوادگی خود دوران استرس آور و بحران زایی را گذرانده بودند. به نظر می رسد همچنان که هیرشی<sup>۱</sup> (۱۹۶۹) یادآور شده و یافته های هزار جریبی و صفری شالی (۱۳۸۹) نیز نشان می دهد، هر چه میزان احساس تعلق فرد به خانواده بیشتر باشد، به همان نسبت گرایش به رفتارهای انحرافی کمتر می شود. یافته های خانوادگی در خصوص قاتل سریالی مقاله نشان از:

\* وضعیت خانوادگی نابسامان و وجود اختلافات آزاردهنده میان برخی از اعضای خانواده؛

\* وجود سابقه اعتیاد و خشونت در بین اعضای خانواده و بستگان (پدر و همسر)؛

\* عدم حمایت خانواده در ادامه تحصیل و در نتیجه سرخوردگی در جامعه؛

\* عمق یافتن حس انتقام جویی، به سبب سرکوب عواطف و هیجانات از سوی خانواده در دوران کودکی؛

\* وجود مشکلات متنوع اقتصادی و معیشتی درون خانواده به عنوان عامل شتاب دهنده قتل ها.

این یافته تا اندازه ای تأیید کننده نظریه های دورکیم، مرتن است که برای توضیح چرایی بروز رفتارهای ناهنجار ما را به جستجو در واقعیت های اجتماعی ماقبل آن رهنمون می سازند. یافته های در خصوص قاتلان سریالی نشان می دهد که قاتلان سریالی روابط پایداری با خانواده هایشان نداشتند. آنها عمدتاً در دوران زندگی متحمل ضربه های روانی و شکست های تدریجی از جانب یکی یا هر دو والدینشان شده اند.

1- Travis Hirschi .

علاوه بر آن قاتلان سریالی معمولاً روابط پایدار و معتدلی با دوستانشان نیز نداشتند. برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که «فرجی» تنفر زیادی از زنان داشته و حس انتقام جویی به سبب این تنفر وی عاملی تشویق‌کننده برای ادامه قتل‌ها بوده است. اگر چه اطلاعات دقیقی در خصوص علل تنفر وی از زنان وجود نداشته، اما می‌توان حدس زد که با توجه به یافته‌های علی حسینی (۱۳۸۹) و نیز گونه‌شناسی قاتلان سریالی جس تنفر وی تا اندازه‌ای نشئت گرفته از شیوه زندگی و خاطرات وی در دوران کودکی و در درون خانواده باشد.

**دوم، تأثیر وضعیت اقتصادی - اجتماعی بر قتل‌های سریالی:** مطالعاتی که در کشورمان در خصوص مهم‌ترین علل پدیده قتل صورت گرفته و نیز مطالعات لرنی (۱۳۸۷) نشان می‌دهد که بروز و گسترش بحران‌های اقتصادی - اجتماعی (مانند تورم، رکود، بی‌هنجاری، روابط از هم گسیخته خانوادگی، وضعیت تحصیلی و...) عاملی اثرگذار بر قتل‌ها و قتل‌های سریالی بوده است. یافته‌های «لرنی» حاکی از آن است که در هر جامعه و محیطی، سلسه عواملی همچون وضعیت اجتماعی، اقتصادی، موقعیت خانوادگی، تربیتی، طرز فکر و نگرش خاص حاکم است که بر هم خوردن هر یک از این‌ها در بروز رفتارهای ناهنجار مؤثر است. برخی یافته‌های مرتبط با عامل در این باره با تأکید بر موضوع تحقیق عبارت است از:

\* قاتلان سریالی اساساً از نظر طبقات اجتماعی در سطح پایینی قرار داشته‌اند. در تحقیقات به‌عمل آمده از فرجی معلوم شده که در خصوص انجام قتل‌های سریالی به وضعیت مالی خود اشاره کرده و آن را از عوامل اساسی قتل‌های خود خوانده است. نظریه پردازان تضادگرا با استفاده از پیش‌فرض‌های اساسی مارکس که قتل را از نوع (جرائم همساز و مقاومت) دانسته، اشاره کرده‌اند که عمدتاً طبقات پایین جامعه برای زندگی و بقا، بعضاً در درون اعضای خودشان، کشتن را به عنوان واکنشی در برابر رویه‌های استثمارگرانه و ظالمانه طبقه سرمایه‌دار توجیه می‌کنند.

\* یافته‌ها نشان می‌دهد که خانواده‌های قاتلان سریالی سابقه برخی انحرافات اجتماعی نظیر سرقت، تن‌فروشی، فروش مواد مخدر و از این قبیل را برای کسب درآمد داشته‌اند.

\* یافته های پرونده نشان می دهد که قاتل سریالی تحقیق حاضر از همبستگی و پیوستگی ضعیفی با جامعه برخوردار بوده است. همان طور که رویکرد کارکردگرایی (مانند مرتن) یادآور شده، زمانی که نتوانسته بود از طریق وسایل مورد قبول جامعه، اهداف خود را محقق سازد، در صدد بر آمده تا از ابزارهای نامشروع جهت برآورده شدن حداقل خواسته ها و بخشی از نیازهای خود با قتل هموعان اقدام کند.

- سوم، تأثیر محیط زندگی و جغرافیایی: نتایج به دست آمده از تحقیقات نظریه پردازان مکتب شیکاگو، همان گونه که کوزر (۱۳۶۸) یادآور شده، حاکی از آن بوده که میزان های جرم و ناهنجاری اجتماعی نه در ساکنان محله (که اساساً فقیر و مهاجر بودند)، بلکه در خود محله باید جستجو شود، زیرا به باور اینان ساکنان این محله ها که هر چند وقت یکبار تغییر می کنند، افرادی هستند که در مدت زمانی که در این محله زندگی می کنند، نرخ اعمال مجرمانه و ناهنجار آنان بالاست، ولی به محض تغییر محل سکونت، نرخ اعمال مجرمانه و ناهنجار همین افراد در محله های دیگر کاهش می یابد. یافته های این تحقیق (که در زیر آمده) نیز تا اندازه ای با این یافته ها همخوان است.

\* در این محله ها معمولاً برق رسانی، آموزش و پرورش و مدارس و گذران اوقات فراغت وضعیت مناسبی نداشت. این محله معمولاً کمتر با سایر محله های شهر رابطه ارگانیک داشته اند. ساکنان این محله از فرهنگ حاکم در دیگر محله ها فاصله داشته، فاقد هر گونه مشارکت عمومی بودند. فقر اقتصادی در این محله در حد بالایی بوده و اکثر ساکنان آن را مهاجران با خرده فرهنگ خاص تشکیل می داد. نهادها و سازمان های رسمی و غیر رسمی کنترل اجتماعی جرم (مانند پلیس، شهرداری) نیز در این محل بسیار ضعیف و ناکارآمد بود.

\* یافته های محتوای پرونده فرجی نیز نشان می دهد که عوامل منطقه سکونت، فرصت، اعتماد قربانیان، وجود مکان ها و زمان های خطرناکی که کنترل اجتماعی (کنترل رسمی و غیررسمی در کنترل عملکرد نهادهای دولتی و عملکرد غیررسمی معطوف به خانواده و نهادهای محلی و مردمی است) ضعف داشته، فعالیت های خطرناک قربانیان عواملی هستند که در کنار ضعف کنترل قربانی شدن قربانیان این

پرونده را (همانند آن چه که نظریه پردازان مکتب شیکاگو گفته بودند) تبیین می‌کند. به نظر می‌رسد، افراد از طریق ارتباط با دیگرانی که (مانند دوستان، همکلاسی‌ها، همسایه‌ها و خویشاوندان) در این محیط‌ها قرار دارند و گاه حامل هنجارهای تبهکارانه اند، ناهنجار می‌شوند.

\* محل سکونت و فعالیت مجرمانه فرجی در محدوده جغرافیایی شهری قزوین بوده و با توجه به بررسی‌های انجام شده درباره سایر قاتلان سریالی کشورمان، محل سکونت و محدوده فعالیت مجرمانه آنها هم بدین منوال بوده است. محققان مکتب شیکاگو در وصف زندگی شهری، به ویژه بخش حاشیه شهرها به موضوعاتی چون مجاورت با شناخت اندک، گمنامی، پیوندهای ضعیف، فاصله اجتماعی زیاد و روابط اجتماعی زودگذر اشاره داشته‌اند که همه اینها می‌توانند از عوامل مؤثر بر بروز و گسترش ناهنجاری باشد.

### منابع

- ابراهیمی، سیدمحمد (۱۳۹۱). تجزیه و تحلیل قتل‌های سریالی، خبرگزاری روزنامه همشهری (کارآگاه).
- اسماعیلیان، شاپور (۱۳۹۱). انگیزه‌ها در قتل‌های سریالی، خبرگزاری روزنامه همشهری (کارآگاه).
- آرون، ریمون (۱۳۸۰). مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه: باقر پرهام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- حسینی، علی (۱۳۸۹). بررسی ابعاد شخصیت قاتل سریالی زنان؛ مطالعه موردی در خصوص فرید بغلانی، قاتل سریالی زنان در استان خوزستان در طول سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۷، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته کشف جرایم دانشکده علوم و فنون اطلاعات و آگاهی دانشگاه علوم انتظامی امین.
- خلعتبری، عبدالحسین (۱۳۸۸). اطلاعات جنایی، تهران: نشر نور دانش.
- خلعتبری، عبدالحسین (۱۳۸۹). واکاوی قتل‌های سریالی صد ساله اخیر ایران و آمریکا، تهران: نشر نور دانش.

- دانش، تاج زمان (۱۳۷۹). مجرم کیست؟ جرم شناسی چیست؟، تهران: انتشارات کیهان.
- دورکیم، امیل (۱۳۶۱). فلسفه و جامعه شناسی، ترجمه: فرحناز خمسه. تهران: ایرانیان.
- دورکیم، امیل (۱۳۶۹). درباره تقسیم کار اجتماعی، ترجمه: باقر پرهام، بابل: کتابسرای بابل.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۶). قواعد روش جامعه شناسی، ترجمه: علی محمد کاردان، تهران: دانشگاه تهران.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸). آنومی یا آشفتگی اجتماعی، تهران: سروش.
- سفرچی تیل، زین العابدین (۱۳۸۷). قربانی شناختی قتل های سریالی؛ پاکدشت، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- سلیمی، علی و داوری، محمد (۱۳۸۵). جامعه شناسی کجروی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سماواتی پیروز، امیر (۱۳۸۷). قاتلان سریالی از منظر روان شناسی جنایی، فصلنامه کارآگاه، سال دوم، شماره ۴، صص ۴۶-۶۵.
- صدیق سروسستانی، رحمت الله (۱۳۸۳). آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات)، تهران: آن.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۸۱). دینداری و بزهکاری در میان جوانان دانش آموز، تهران: موسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- غلاملو، جمشید (۱۳۸۹). مطالعه جرم شناختی پدیده قتل های سریالی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه تهران.
- غلاملو، جمشید (۱۳۹۰). علت شناسی قتل های سریالی بر مبنای اختلالات شخصیتی. فصلنامه حقوق پزشکی، سال پنجم، شماره شانزدهم، صص ۱۳۱-۱۶۰.
- قزایی مقدم، بی نام (۱۳۸۷). جامعه شناسی قتل های سریالی، گفت و گوی سلامت با دکتر قزایی مقدم، مجله سلامت: جامعه سالم، شماره ۱۸۱.
- کوزر، لوئیس (۱۳۶۸). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه: محسن ثالثی، تهران: انتشارات علمی.

- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳). *جامعه شناسی*، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشرنی.
- لرنی، منوچهر (۱۳۸۷). *نقد و تحلیل مسائل اجتماعی ایران*، تهران: نشر بهینه فراگیر.
- لیتل، دانیل (۱۳۷۳). *گونه‌های تبیین در علوم اجتماعی*، ترجمه: مجید محمدی، تهران: نی.
- محسنی، منوچهر (۱۳۸۶). *جامعه شناسی انحرافات اجتماعی*، تهران: طهوری.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۱). *انحرافات اجتماعی (نظریه‌ها و دیدگاه‌ها)*، تهران: شرکت سهامی انتشار (چ اول).
- مور، استفن و سینکلر، استفن پ. (۱۳۷۶). *دیباچه‌ای بر جامعه شناسی*، ترجمه: مرتضی ثاقب فر، تهران: ققنوس.
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین (۱۳۹۰). *تقریرات درس: سیاست جنایی (سیاست کیفری عمل‌گرا - عوام‌گرا)*؛ بخش دوم؛ دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گردآوری و تنظیم: زینب باقری نژاد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- هزار جریبی، جعفر و صفری شالی، رضا (۱۳۸۹). *بررسی عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم (مطالعه موردی زندانیان استان مرکزی)*، فصلنامه علوم اجتماعی. شماره ۴۶. صص ۷۳-۴۱.
- هیکلی، اریک دبلیو. (۱۳۸۵). *قاتلان سریالی و قربانیان آنها*، ترجمه: یاشار سیفالهی، تهران: مرکز مطالعات کاربردی ناجا.
- Darlington, Y. and Scott, D. (2002). *Qualitative Research in Practice: Stories from the Field*, Singapore, South Wind Productions .
- Dietz, P. E. (1986). *Mass, serial, and sensational homicide*, Bulletin of the New York Academy of Medicine, 62(5) .
- Hass, R. (2001). *Involvement in Sport and Engagement in Delinquency: An Examining of Hirschi's Social Bond Theory*, Criminology, East Tennessee State University. p. 20 .
- Hirschi, Travis (1969). *Causes of Delinquency*, Berkeley and Los Angeles, University of California Press .
- Hickey, E. W. (2002). *Serial Murderers and Their Victims (3rd ed.)*, Belmont, CA: Wadsworth .



- Jesse, F. T. (1924). *Murder and Its Motive*, New York: Alfred A. Knopf .
- Newton, Michael(2006). *The Encyclopedia of Serial Killers*, second edition, Facts on file .
- Philbin, Tom and Philbin, Michael(2009). *the killer Book of serial killers*, source book, Inc .

Archive of SID